

مردم بیگناه قربانی توحش تروریسم اسلامی

در باره انفجارات اخیر در لندن

موج انفجارات اخیر در لندن، که همه علائم جریان اسلامی را با خود دارد، بار دیگر توجه را به قابلیت جنایتکاری اسلام سیاسی جلب کرد. مردم بیگناه قربانیان این تروریسم کثیف اسلامی شدند که باید از جانب هر انسان آزادی خواهی محکوم شود.

اما این نیمی از حقیقت است. کل واقعیت این است که بمب های "پا دار" اسلام سیاسی روی دیگر سکه های "پرنده" آمریکائی و انگلیسی است که بر سر مردم بیگناه عراق و فلسطین فرو میریزد. بمب افکن ها و موشک های اسلام سیاسی و تروریسم دولتی آمریکا و سایر دول غربی بر سر مردم بیگناه فرو میریزد. اینکه موشک ها بمب افکن های یکی پرواز میکنند و دیگری "راه می رود" ذره ای در عمق جنایتکاری دو طرف تغییری نمیدهد. مردم بیگناه در لندن، بغداد و فلسطین و نیویورک قربانی مسابقه توحش دو قطب تروریستی امروز جهان ما یعنی اسلام سیاسی و تروریسم دولتی آمریکا و سایر دول غربی هستند. بشریت متمدن باید در مقابل کل این دنیای توحش افسار گسیخته بوش و بلر و بن لادن و خامنه ای و شرکاء برخیزد. باید همه این اردوی تباهی را پاک سازی کرد. جهان نیازمند یک پاک سازی اساسی است.

زنده باد حرمت و آزادی انسانها

زنده باد سوسیالیسم

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

۱۶ تیر ماه ۱۳۸۴ - ۷ ژوئیه ۲۰۰۵

در صفحات دیگر:

منشور سرنگونی جمهوری اسلامی ایران

صفحه ۴

آخرین میخها بر تابوت یک گرایش منحط

صفحه ۳

ایرج فرزاد

نگاهی به اجلاس گروه ۸ و کنسرت لایو ۸

صفحه ۲

عبدالله شریفی

جمعه ها منتشر
میشود

کمونیست ۴۸

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

سرمدیبر این شماره: ایرج فرزاد ۱۷ تیر ۱۳۸۴ - ۸ ژوئیه ۲۰۰۵

www.hekmatist.com

۱۸ تیر ، جنبش سرنگونی ، پلاتفرم و رهبری سیاسی



رحمان حسین زاده

و پیام ۱۸ تیر ۶ سال قبل بود. صرفنظر از اینکه اعتراضات آن دوره به چه مناسبتی شروع شد. اما در همان ۶ روز گام به گام روشن و شفافتر موجودیت جمهوری اسلامی را نشانه رفت. خواست سرنگونی و پایان دادن به حاکمیت سیاه و استبداد مذهبی و اسلامی مطرح شد. پایین کشیدن سران و چهره های شاخص جمهوری اسلامی از اریکه قدرت همچون خامنه ای و رفسنجانی و خاتمی شعار دانشجویان و توده معترض مردم بود. این دیگر اعتراضاتی با مطالبات محدود و یا از سر امکان گرایی محدود شده به چارچوب "قانونی" و یا جدال جناحها نبود. اعتراضات کوبنده این دوره در اولین گام این چارچوبهای موجود را در نوردید. صریح و سراسر اعلام کرد جمهوری اسلامی را نمیخواهد. نه بزرگ مردم ایران به جمهوری اسلامی پرچم این مبارزات شد.

۱۸ تیر روز مهمی در جدال و مبارزه مردم ایران علیه جمهوری اسلامی است. ۶ سال قبل و ۶ روزی که در سال ۱۳۷۸ جمهوری اسلامی را لرزاند و جامعه را تکان داد اثرات عمیقی از خود برجای گذاشت. اعتراض و مبارزه علیه جمهوری اسلامی به قدمت عمر جمهوری اسلامی است. اما ۱۸ تیر ۶ سال قبل آغاز دیگری در روند این مبارزات بود.

اعلام موجودیت جنبش سرنگونی:

در ۱۸ تیر ۱۳۷۸ و ۶ روز جدال و کشمکش توده ای و کوبنده آن، اردوی سرنگونی اعلام موجودیت کرد. کلیت جمهوری اسلامی و جناحهای آن به مصاف طلبیده شدند. جنبش سرنگونی پایه گذاشته شد. این دستاورد

گسترده و

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

نگاهی به اجلاس گروه ۸ و کنسرت لایو ۸



عبدالله شریفی
abe_sharifi@yahoo.com

سی و یکمین اجلاس گروه ۸، روز چهارشنبه در هتل

گلن ایگلز در نزدیکی شهر ادینبورگ اسکاتلند، در محاصره چندین هزارمردم معترض و پلیس، شروع شد.

روسای دول فرانسه، انگلیس، ژاپن، ایتالیا، آمریکا، کانادا، روسیه و آلمان در این گردهمایی ۳ روزه قرار است، به دستور جلسه پیشنهادی تونی بلر که عبارت است از تغییر

وضعیت جوی زمین، عدم توسعه اقتصادی آفریقا، مبارزه با تروریسم، سلاحهای کشتار جمعی، اصلاحات در خاورمیانه و ایران بپردازند.

به موازات این اجلاس، با ابتکار باب گلدوف خواننده و آهنگساز معروف، و با شرکت جمعی وسیع از خوانندگان و سرشناسان موزیک و سینما، در لندن و ۹ شهر دیگر دنیا، کنسرت های همبستگی علیه فقر به اجرا در میاید. کنسرت لایو ۸ کار خود را در هایدپارک لندن با شرکت ۲۵۰ هزار نفر در دوم ژوئیه آغاز کرد. ما بارها شاهد این

گونه اجلاس و این گونه کنسرتها بوده ایم، این دو اتفاق مرتبط به هم اولین بار نیست که روی میدهند، آنچه در میان به این اتفاقات برجستگی خاصی میبخشد اوضاع پر تلاطم جاری جهان و محتوی مورد بحث و اعتراض است. این هفته بطرز عجیبی امیال انسانی، موزیک و طراحان فقر و جنگ و فلاکت در کنار هم صف کشیدند. قطعا سران دول قدرتمند جهان گرد آمده اند تا به سیاق همیشگی نقشه های خود را جهت تداوم نظم کنونی به پیش برند. اینها خود بانیان جنگ و فلاکت و فقر و

دستاوردهای قیام و مبارزاتشان مردم را در میلیس توده ای مسلح کند. جدایی کامل مذهب از آموزش و پرورش و دولت و آزادی بی قید و شرط سیاسی و عقیده و بیان و تشکل و برابری کامل و بی قید و شرط زن و مرد اعلام شود. لغو مجازات اعدام و آزادی کلیه زندانیان سیاسی و اجرا شود. در یک کلام مفاد منشور سرنگونی جمهوری اسلامی را به پلاتفرم جنبش آزادیخواهانه و سرنگونی جمهوری اسلامی تبدیل کند. اجرای این منشور یعنی پیروزی مردم و قیام آنها علیه جمهوری اسلامی

در سالگرد ۱۸ تیر و پایه گذاری جنبش سرنگونی، همه مردم ایران و جنبش آزادیخواهانه کارگران، زنان، جوانان و مردم تشنه آزادی و برابری را به انتخاب پلاتفرم انقلابی این جنبش، منشور سرنگونی جمهوری اسلامی و حزب حکمتیست مبتکر این منشور فرا میخوانم. تامین رهبری چپ این جنبش در گرو این انتخاب است.

۲۰۰۵ - ۷ - ۲

نوع تغییر و جابجایی نیم بند در این رژیم و صرفا تغییر اسم و جایگزینی مهره هایی با مهره های دیگر از نظر ما و مردم قابل قبول نیست. به قول بیانیه حزب حکمتیست در مورد سرنگونی "تنها پیروزی کامل جنبش سرنگونی، قادر است نکبت جمهوری اسلامی را با حداقل خشونت، تلفات و هزینه جانی و مالی خاتمه بخشد.

باید جمهوری اسلامی همراه تمام ابزارهای قدرتش و همراه تمام منابع مالی، تدارکاتی و تبلیغاتی آن، یکجا با هم در هم کوبیده شوند"

معنای کامل این پیروزی به روشنی در سند "منشور سرنگونی جمهوری اسلامی ایران" بیان شده است.

قیام پیروز مند مردم باید سرنگونی و انحلال کامل جمهوری اسلامی و انحلال و خلع سلاح سپاه پاسداران و ارتش و کلیه نیروهای نظامی و سرکوبگرو و زارت اطلاعات این رژیم را اعلام کند. انحلال "حوزه های علمیه" و مصادره همه اموال و دارایی نهادهای مذهبی و اسلامی و دستگیری سران جمهوری اسلامی را اعلام کند. برای دفاع از آزادی و رفاه مردم

مردم و حفظ بخشی از دستگاه حکومت کنونی و عراقیزه کردن جامعه ایران است. جنبش سرنگونی رادیکال و چپ با ارائه تصویر روشن از پیروزی مردم و جنبش آزادیخواهانه آنها آلترناتیو راست را میتواند و باید خنثی کند.

جنبش سرنگونی مردم: معنای پیروزی

مردم ایران به چیزی کمتر از سرنگونی کامل جمهوری اسلامی رضایت نمیدهند. این پیام ۱۸ تیر ۶ سال قبل و امسال است. توده وسیع مردم ۲۶ سال فشار و محدودیت و محرومیت و فقر و فلاکت را از جمهوری اسلامی نصیب برده اند. میلیونها انسان، چند نسل از کودکان، زنان، کارگران، جوانان، و کوچک و بزرگ این جامعه طی این مدت سال زبر سلطه حکومت اسلام به تباهی فیزیکی و معنوی کشانده شدند. امروز همه اعلام میکنند که غم، گرسنگی، خفقان، بیکاری، بی حقوقی در یک کلام جمهوری اسلامی بس است! این رژیم فورا باید سرنگون شود. کل این رژیم را با همه دم و دستگاه و امکانات مالی و تبلیغاتی و تدارکاتی آن باید در هم کوبید. هیچ

سرنگونی هنوز فاقد پلاتفرم و رهبری جا افتاده است. این خلا و کمبود پر نشده است. آزادی و رفاه و سعادت مردم ایران در گرو دست بالا پیدا کردن آلترناتیو چپ است. در این راستا آگاهی کامل مردم بر مسیر مبارزاتی خویش و نحوه پایان دادن به عمر جمهوری اسلامی حلقه تعیین کننده مبارزات امروز مردم ایران است.

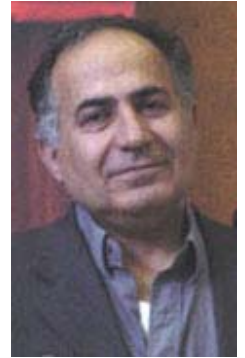
از نظر اپوزیسیون راست سرنگونی جمهوری اسلامی چیزی جز تغییر اسم و جابجایی در لایه بالایی حاکمیت جمهوری اسلامی و همزمان حفظ ارکان پیکره رژیم و بویژه ارتش و دم و دستگاه سرکوبگر آن نیست. جریان راست از ترس دخالتگری وسیع مردم در سیاست و قیام آنها برای سرنگونی قطعی و کامل جمهوری اسلامی، آلترناتیو تغییر از بالا و کنترل شده را ارائه میکند. طرح رفراندوم و امید به دخالت نظامی آمریکا همین هدف را تعقیب میکند. طرحهای جریان راست نه معنای پیروزی مردم بلکه در تقابل با پیروزی مردم است. طرحهای آنها کنار زدن مردم از دخالت وسیع در سیاست و تعیین سرنوشت آینده کشور به دست خود

وسیع به خود گرفته است. راه پریچ و خمی را طی کرده است. بازی جناحهای جمهوری اسلامی و دوم خرداد را پشت سر گذاشته است. توجه مردم جان به لب رسیده را به خود جلب کرده است. نیرو گرفته و گامهای بزرگی به جلو برداشته است. مضحکه انتخابات اخیر جمهوری اسلامی پتانسیل قوی جنبش سرنگونی و آمادگی مردم برای جارو کردن این رژیم را برجسته کرد. چپ و راست این جنبش جثه بزرگتری پیدا کرده اند. در بطن این واقعیات بسیاری از پرو رژیم ها در اپوزیسیون به صف جنبش سرنگونی پرتاب شدند. از مختصات این دوره مبارزات مردم ایران بر خلاف سال ۵۷ و جنبش سرنگونی رژیم سلطنتی اینبار جنبش "همه با هم" نیست. جامعه و جنبش سیاسی بسیار پولاریزه تر، قطبی تر است. طبقات و جنبشهای سیاسی منافع و راه و مسیر متفاوت خود را طی میکنند. هر کدام آلترناتیو خود را برای انداختن جمهوری اسلامی حدادی میکنند. هر کدام دارند تصویری از سرنگونی را در جلو جامعه میگذارند. با این وصف جنبش

به سازمان جوانان کمونیست - حکمتیست به پیوندید!



آخرین میخها بر تابوت یک گرایش منحط



ایرج فرزاد
iraj.farzad@gmail.com

"انتخاب" احمدی نژاد با ماجراهای جالبی همراه بود. اگر بخواهیم قرار گرفتن یک حزب الهی در مقام ریاست جمهوری را از دریچه شخصیتها و عناصر مختلف ائتلاف منقرض شده ملی مذهبی برانداز کنیم، به پدیده جالبی میرسیم. و فکر میکنم قضاوت الیت منورالفکر این ائتلاف مبنای خوبی برای ارزیابی آن گرایش مدافع جمهوری اسلامی که جور زمانه بخشا آنها را به موقعیت اپوزیسیون راند، در دسترس همگان گذاشته باشد.

در فاصله زمانی دور اول و دور دوم این انتخابات، شمس الواعظین و سپانلو و کیارستمی با وجودی که قلبشان همراه احمدی نژاد بود و او را به خاطر وفاداری به راه مستضف پناهی امام، بیشتر دوست داشتند، اما به "مصلحت" میهن و نظام دیدند که پشت رفسنجانی را بگیرند. و این سه شخصیت، شاخص اند. لابد فراموش نکرده ایم که طی سالهای صدارت دولت اصلاحات آقای خاتمی، کلیه عناصر و تشکلهای مدافعین جمهوری اسلامی به اپوزیسیون رانده شده در خارج کشور، زیر پای اینها

فرش فرمز پهن کردند، تدارکات برگزاری جلسات و سخنرانیها و شعر خوانیهایشان را بر عهده گرفتند و گفتند و باز گفتند که مردم ایران راه دیگری ندارند جز اینکه از میان دولتمداران "میهن" و از درون صف کسانی که هر کدام سابقه چندین قتل سیاسی و چندین فقره جنایت سازمانیافته و زنجیره ای را در زندگی شخصی شان و در خدمت به اسلام ثبت کرده اند، ناچارا باید با یکی کنار بیایند. مملکت اینها اسلامی است و با غرب و غرب زدگی و سطح توقعات، استانداردها و توقعات مردم از زندگی غرب فرق میکند! اینها سعدی و آیت الله نوری و آل احمد و امام حسین و شیخ طوسی و خمینی و حجره ها را دارند و غرب مارکس و دیبرو و مونتسکیو و روسو و لنین و رومن رولان و کانت و بالزاک و ماهواره و موزیک پاپ و بلوز و راک بیگانه با تقدس فقر و تسلیم به شهادت و خفقان و استبداد. از منظر اینها مردم ایران سزاوار زندگی بیشتری جز در دوران سیاه قرون وسطی و یا تن دادن به اصلاحات برده داری و فاشیسم اصلاح شده اسلامی نیستند. آخر این جماعت که بطور سانتیماننتالی مخالف گزینه "خشونت" هم هستند، از بخت بد هنرشان و شعرشان و سخنوری شان بدون برقراری خفقان و خشونت اسلامی گوشه ای برای شنوایی و مخاطبی برای ارج و قرب مجاهدتهایشان پیدا نمیکرد. میبایست کمونیستها و بلشویکهای آن مملکت و الیت سیاسی

و روشنفکر و فیلسوف و مبارز مارکسیست و حاصل انسانی سالها مبارزه با رژیم ساواک و بساط ارتجاع اسلامی را در شنیع ترین کشتارها در گورهای دسته جمعی مدفون کرد، تا بتوان برای متاع و کالاهای بنگل و ارتجاعی اینها که به نام رمان و شعر و سینماگری از دایره وزارت ارشاد جمهوری اسلامی پذیرش گرفتند، از میان جانبازان و بسیجیان و پاسداران انقلاب اسلامی و حماسه آفرینان جبهه و سرکوب "ضد انقلاب" مخاطب گیر آورد. و بازیابی هنر و استعداد ادبی شعری و داد سخنوری این قشر همواره مرتجع فقط آزمان میسر شد که بگویند مردم ایران هم، برای تعطیل نشدن عرض اندام این نوبرهای محافظه کاری که دیگر موجودیتشان به بقای جمهوری اسلامی گره خورده است، چاره ای ندارند جز اینکه از دنیای معاصر و از توقعاتی که بشر هم عصر ما از زندگی و از هنر و از سینما و نویسندگی و کتاب و شعر و موسیقی دارد، قطع رابطه کنند و در دوران دیوستان سیمصد سال قبل اروپا با اصلاحاتی عاشورائی در رژیم جنایت و کشتار به زندگی قناعت کنند. ذهنیات و مالیخولیای اینها که گویا مقدرات زندگی مردم در شرق و در ممالک اسلام زده هم هستند، محصول فرهنگ تشیع است آنگاه که این "اندیشه" و "رهیافت و گفتمان" در هولناک ترین آشوبتهای اسلامی قدرت سیاسی و ترجمان اجتماعی خود را در برابر چشمان بهت زده بشریت به نمایش گذاشت.

اما سوال این است حال که پاره قلب حزب الهی و جوهر نمادین ایدئولوژیک کلیه طیفهای ملی اسلامی، پیروز از صندوقها درآمد و اما از سوی دیگر هنوز

انتخاب احمدی نژاد اگر درسی برای مردم ایران داشته باشد، همین است. باید آخرین میخها را بر تابوت گرایش ایدئولوژیک، مکتب ادبی هنری ملی اسلامی و به عنوان صفی که زیر خونین ترین جنایات اسلامی جان گرفت و در این لجن به بلوغ رسید، کوبید. اینها همزاد نزل اجلال مجدد اینها بر مرکب دگراندیش بازی و نمایش ریاکارانه و سالوسی اپوزیسیون نمائی باید جلوگیری کرد. تنها "گزینه" اینها در رفت و برگشت این طیف قرار گرفتن در حاشیه اپوزیسیون راست است. یا اینها باید وادار شوند که کمافی السابق در کنار رژیم اسلامی قرار گیرند و یا لباس دوستان دروغین را از تن در آورده و نیرویشان را در خدمت اپوزیسیون راست قرار دهند.

مردم ایران در قرن ۲۱ زندگی میکنند، بگذار جمهوری اسلامی و دوائر منورالفکر محصول دستگاه مخوف انکیزیسیون این رژیم در طیف ملی مذهبی به عشق و عرفان و بساط شعر و معر خود در دوران سیاه قرون وسطی در عوالم خلسه و عشق خود با اسلام سیاسی و ویرانه های ارتجاع شرق و شرق زدگی و اسلام و اسلام پناهی و اقتصاد حرص و آز سرمایه ملی اسلامی بر بستر فلاکت و فقر مردم و در باتلاق اختناق اسلامی علیه شهروند جامعه و کار ارزان کارگر ایرانی غرق شوند.

منشور سرنگونی حزب حکمتیستها و بیانیه تضمین حقوق مردم در تعیین نظام آتی، چتر گرد آوری نیروی وسیع مردم علیه جمهوری اسلامی است.

۷ ژوئیه ۲۰۰۵

۱۶ تیر ۱۳۸۴

مرگ بر جمهوری اسلامی زنده باد جمهوری سو سیالیستی!

منشور سرنگونی جمهوری اسلامی

سرنگونی بی قید و شرط و کامل جمهوری اسلامی، باز داشتن عوامل آن از امکان مقاومت در مقابل مردم و پاشاندن بنیادهای زندگی مدنی و همچنین تضمین حق مردم در انتخاب آزاد و آگاه نظام حکومتی آینده کشور، اساس منشور سرنگونی جمهوری اسلامی است. سرنگونی جمهوری اسلامی پیش شرط تضمین حق مردم در تعیین نظام آتی ایران است.

معنی پیروزی جنبش سرنگونی، جایگزین شدن جمهوری اسلامی با یک دولت موقت با وظیفه اعلام فوری مطالبات انقلابی زیر به عنوان قانون و اجرای بی قید و شرط آنها است.

- ۱- اعلام سرنگونی و انحلال جمهوری اسلامی
- ۲- انحلال و خلع سلاح سپاه پاسداران، ارتش و کلیه

۷- دستگیری سران جمهوری اسلامی

۸- مسلح کردن مردم در مجلسی های توده ای برای دفاع از آزادی، برای سرکوب مقاومت بازماندگان جمهوری اسلامی و تعرض هر نیروی به آزادی ها و حقوق مردم.

۹- اعلام جدانی کامل مذهب از دولت و آموزش و پرورش.

۱۰- لغو کلیه قوانین و مقرراتی که منشأ مذهبی دارند. اعلام آزادی مذهب و بی مذهبی.

۱۱- اعلام آزادی بی قید و شرط عقیده، بیان، مطبوعات، اجتماعات، تشکل، تحزب و اعتصاب.

۱۲- اعلام برابری کامل و بی قید و شرط زن و مرد در حقوق مدنی و فردی. لغو کلیه قوانین و مقرراتی که ناقض این اصل است.

۱۳- اعلام برابری کامل حقوق همه شهروندان، صرف نظر از جنسیت، مذهب، ملیت، نژاد و تابعیت.

۱۴- آزادی کلیه زندانیان سیاسی.

۱۵- لغو مجازات اعدام.

۱۶- دسترسی همگانی بویژه تشکلهای توده ای مردم و احزاب سیاسی به رسانه های جمعی دولتی.

۱۷- تضمین بیمه بیکاری مکفی برای همه افراد آماده بکار بالای ۱۶ سال. پرداخت بیمه بیکاری مکفی و سایر هزینه های ضروری به کلیه کسانی که به علل جسمی یا روانی توان اشتغال به کار ندارند.

۱۸- ارجاع مساله تعیین نظام حکومتی آینده ایران و تهیه قانون اساسی به مجمع نمایندگان مستقیم مردم حداکثر ظرف ۶ ماه.

۱۹- برگزاری رفراندوم در مناطق کرد نشین غرب ایران، زیر نظارت مراجع رسمی بین المللی، برای دادن حق انتخاب آزاد و آگاه به مردم این مناطق برای ماندن در ایران بعنوان اتباع متساوی الحقوق با دیگران و یا جدایی از ایران

و تشکیل دولت مستقل. این رفراندوم باید با خروج نیروهای نظامی دولت مرکزی و تضمین یک دوره فعالیت ازادانه کلیه احزاب سیاسی در کردستان، به منظور آشنا کردن توده مردم با برنامه و سیاست و نظرها در این همه پرسی، انجام شود.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست همه مردم آزادیخواه، احزاب سیاسی، تشکل های توده ای و فعالین سیاسی را فرا میخواند که برای دفاع از جامعه ایران در مقابل هر نوع سازش با جمهوری اسلامی و برای حفاظت از جامعه در مقابل استیلاي دارودسته های ارتجاعی و باندهای سیاهی اسلامی، قومی و عشیره ای و کاتکسترهای سیاسی این منشور را مورد حمایت قرار دهند.

فوریه ۲۰۰۵
بهمن ۱۳۸۳

این کاری است که بشریت پیشرو در این عرصه باید انجام دهد. بدیهی است که کنسرت لایو ۸ و هنر غرب، در تضاد با فرهنگ عزا و خودزنی شرق و مذهب و اسلام زده ظرفیت این را دارد که از بیان رسمی و تقسیم سهم انسان به دو دنیای متفاوت و مقدر "فقیر و غنی" فاصله بگیرد.

تغییر جهان، از بین بردن فقر، برداشتن بساط جنگ و ترور، لغو استثمار و ایجاد رفاه و آسایش عمومی کار مردم معترض به این جهان وارونه است. این ابزار و مکانیسم خود را میخواهد. بدیل فقر و جنگ و فلاکت ایجاد جامعه ای است سوسیالیستی که امروز ضرورت آن از همیشه مبرم تر است. به هر درجه که هنر و موسیقی، با دامنه برد وسیع و محبوبیتی که دارد به این نقد پایه ای از ستون های نظام کنونی دست ببرد، راه خود را از خاستگاه دولی که خود بانی و تکیه گاه استثمار کار ارزان و سلطه حکومتی استبدادی است، جدا کرده است و از مسکنهای موقتی برای مبارزه با مصائب بشر به چاره جوییهای ریشه ای روی خواهد آورد.

۶ ژوئیه ۲۰۰۵

جامعه را زنده میکنند. و این دو موضع، یعنی هنرمندانی که عاطفه انساندوستی میلیاردها بشر علیه فقر را به تحرک وامیدارند، با موضوع سران گروه ۸ که تسکین اوضاع فلاکتبار جهان "سوم" را خطری برای فوران خشم و نفرت مردم علیه دولتهای مستبد و دیکتاتور و ضد مردمی تشخیص داده اند، متفاوت است. هر دو مرهمی موقتی بر درد و رنج انسان اند، اما یکی تلاش دارد مستقیماً به خواست مردم محروم علیه فلاکت توجه کند و دیگری کمک به تداوم حکومتها، ما هر روز در شهرهای جهان شاهد کنسرت های متنوع دسته های راک و پاپ و بلوز در گوشه و کنار جهان هستیم که در مورد قدرت دلار و احترام به نظم و نسق پول و تجارت سکس و فحشا میخوانند، و نزد کسی قرب و احترامی ندارند. آنچه معلوم است این کنسرت با ریتم کنونی یعنی تمکین جهان موزیک و هنر خوانایی ندارد، معترض است سرکش ظاهر شد، حرکت لایو ۸ موزیک را به اعتراض مردم علیه فقر و فلاکت و جنگ و کشتار نظام سرمایه داری نزدیکتر میکنند. اگر چه در کنسرت لایو ۸ همه با منافع و اهداف مختلف علیه فقر گفتند و

این رابطه دیگر کشورهای گروه ۸ را به کمک به دولتهای مربوطه وادار کند. در نظر اینها، مردم فقر زده و گرسنه و فحشی زده و در معرض تهدید بیماری ایدز با دولتهای حاکم شان نمایندگی میشوند!

این اوضاع غیرقابل تحمل شده است. اکثریت مردم کارکن جهان، اکثریت ساکنان این کره خاکی در حال تلاش برای رفع این شرایط پر رنج هستند، اگر مردم از لایو ۸ به شغف میایند این است که در این دوره سیاه و نظم جهانی کشتار و فقر، گوشه ای از امیال خود را در موزیک و سروده های آنان میبایند. مردم حق دارند خوشحال باشند که این شرایط غیر قابل تحمل حتی صدای هالیوود را هم در میاورد. مهم نیست که مادونا چقدر خواهان انقلاب و تغییر مسیر تاریخ است و یا براد پیت کیست و چی میخواهد مهم آن است که میلیونها انسان بار دیگر از ضرورت تغییر، از ضرورت رفاه و از اینکه نسلی که نمیخواهد رفاه و فلاکتش با محل تولدش تعیین شود را از زبان موزیک میشنود، این خاطرات دوره های پر تحول و رابطه نزدیک اعتراضات مردم با موزیک را در اذهان

نگاهی به ...

از صفحه ۲ را ببینند، هر کسی که هنوز نسیمی از انساندوستی را در خود حس کند، قادر به تحمل این اوضاع غیر انسانی نیست.

در شرایطی که هر گونه رشد علم و تکنیک و دستاوردهای علمی بشر در انحصار سوداوری به نفع اقلیتی ناچیز قرار دارد، در حالیکه در هر دم و باز دم ما شاهد مرگ کودکی میباشیم که با همین درجه از توانمندی بشر قابل پیشگیری است. با وجود اینکه سالانه صدها هزار نفر از فقر و جنگ و ویرانی تلف میشوند، در اوضاعی که سرکوب و خشونت و جلوگیری از رشد مادی و معنوی بشریت هر لحظه میلیونها انسان را به تباهی روحی و فیزیکی میکشاند، چگونه میشود این شرایط را تحمل کرد؟ کار سران دول گروه ۸ این است که این اوضاع را چگونه و با چه روشی بر مردم جهان قابل تحمل کنند. بحث سران گروه ۸ بسادگی این است که با کمک به "دولتهای" کشورهای "جهان سوم" و بویژه دولتهای آفریقائی با فقر و گرسنگی درآفتند! و مسابقه ای که در گرفته است بر سر این است که دولت آمریکا با سهم بالاتر خود در

به حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست پیوندید!